

اجتناب مالیاتی و نظریه نمایندگی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران

شکراه خواجهی^۱

امیر سروستانی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۸/۲۹

چکیده

پژوهش حاضر از منظر نظریه نمایندگی، تاثیر هزینه‌های نمایندگی را بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها مورد ارزیابی قرار می‌دهد. از آنجایی که اجتناب مالیاتی به شکلی جسورانه در زمره فعالیت‌های خطرناک قرار دارد و می‌تواند موجبات متضرر شدن سهامداران را فراهم نماید، شرکت‌های ریسک‌گریز چنین فعالیت‌هایی را دنبال نمی‌کنند. با این وجود در شرکت‌هایی که هزینه‌های نمایندگی بالایی وجود دارد، پیش‌بینی می‌شود درجه ریسک‌پذیری بالایی نیز وجود داشته باشد و رویکردی جسورانه را در قبال مالیات اتخاذ کنند. بنابراین ممکن است میزان هزینه‌های نمایندگی موجود در شرکت‌ها بر اجتناب مالیاتی آنان موثر باشد. نتایج به دست آمده در این پژوهش این اظهارات را توجیه می‌کند. در راستای آزمون تجربی این موضوع، از ۱۳۸ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۳ استفاده شده است. نتایج به دست آمده از تاثیرگذاری مثبت هزینه‌های نمایندگی بر اجتناب مالیاتی پشتیبانی می‌کند. پژوهش حاضر می‌تواند به فهم دقیق‌تری از نقش نظریه نمایندگی در چارچوب اجتناب مالیاتی منجر شود و نشان دهد که چگونه مشکلات نمایندگی رویکرد مالیاتی شرکت‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، نظریه نمایندگی، نرخ موثر مالیات، هزینه‌های نمایندگی.

۱- استاد حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) Shkhajavi@rose.shirazu.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران sarvestani.amir@gmail.com

۱- مقدمه

پژوهش حاضر به تبیین آثار هزینه‌های ناشی از رابطه نمایندگی بر سطح اجتناب مالیاتی^۱ شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. بر اساس نظر فاما و جنسن^۲ (۱۹۸۳)، مشکلات نمایندگی معمولاً در شرکت‌های سهامی به دلیل ماهیت نامحدود حقوق باقیمانده مرتبط با سهام عادی که می‌تواند به شکاف بین منافع مدیران و سهامداران شرکت منجر شود، ایجاد می‌شود. هانلون و هیتزمن^۳ (۲۰۱۰) نیز اجتناب مالیاتی را به عنوان کاهش مالیات مستقیم پرداختی شرکت تعریف می‌نمایند و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نیز طیف متنوعی از واژه‌ها مانند مدیریت مالیات، برنامه‌ریزی مالیاتی، رویکرد جسورانه مالیاتی، فرار مالیاتی و سپر مالیاتی را برای تبیین این مفهوم به کار برده‌اند. با این حال، به نظر می‌رسد زمانی که صحبت از رویکرد جسورانه نسبت به مالیات^۴ می‌شود، بیشتر بعد منفی اجتناب مالیاتی مدنظر باشد. در واقع شرکت‌هایی که با رویکردی جسورانه تلاش می‌نمایند پرداخت مالیات خود را کاهش دهند یا فرار مالیاتی داشته‌باشند، تصمیماتی را اتخاذ می‌نمایند که تنها به عدم پرداخت مالیات معطوف می‌شود و از این رو به عنوان شرکت‌های فاقد مسئولیت اجتماعی به آن‌ها نگریسته می‌شود. شرکتی که به مسئولیت‌های اجتماعی خود واقف نبوده و توجهی نمی‌نماید، با خطرات مختلفی ممکن است مواجه شود. به طور خاص، اجتناب مالیاتی به نحوی جسورانه، ممکن است هزینه‌های مهمی از قبیل حق‌الزحمه‌های پرداختی به کارشناسان مالیاتی، زمان‌های اختصاص داده شده به حل‌میزی‌ها و حسابرسی‌های مالیاتی، بی‌اعتبار شدن شرکت (تاثیر مخرب بر شهرت شرکت) و جرایم پرداختی به مقامات مالیاتی را بر شرکت و مدیران آن تحمیل نماید (بادرتشر و همکاران^۵، ۲۰۱۳). کاهش تخفیف‌های مالیاتی، احتمال وضع مالیات‌های بیشتر و یا تعیین جرایم مالیاتی و همچنین فشارهای سیاسی و اجتماعی و کاهش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و به تبع آن کاهش ارزش شرکت از جمله پیامدهای

غیرمستقیم استراتژی‌ها و برنامه‌ریزی‌های مالیاتی جسورانه می‌باشند (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). علاوه بر این ممکن است جامعه نیز شرکت‌هایی که سیاست‌های مالیاتی جسورانه‌ای در پیش گرفتند را نیز جریمه و یا تحریم نمایند و این استراتژی‌ها شهرت منفی برای شرکت بوجود بیاورد (حسینو و کلامم^۶، ۲۰۱۲). با این تفاسیر، ساده‌انگاری است که فرض شود تلاش حداکثری جهت کمینه‌سازی هزینه مالیات همواره مطلوب خواهد بود. در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن هزینه‌های فوق، از منظر نظریه نمایندگی پیش‌بینی شد که در شرکت‌های با هزینه نمایندگی بالاتر، رویکرد جسورانه نسبت به مالیات نیز حادثر باشد. در واقع پیش‌بینی بر آن است که در شرکت‌های با هزینه نمایندگی بالاتر، تمایل به ورود پروژه‌های ریسکی نیز از جانب مدیران و تصمیم‌گیرندگان بیشتر باشد و از این رو ممکن است مدیران چنین شرکت‌هایی بیشتر به فکر ورود به تصمیمات و اقدامات کاهنده مالیات به شکلی جسورانه باشند. مطالعه حاضر با در نظر گرفتن ۱۲۴۲ سال-شرکت (۱۳۸ شرکت در طی ۹ سال) به بررسی تجربی این موضوع در شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج حاصل بیانگر آن است که نمی‌توان این ادعا را رد نمود. به عبارت دیگر، در مجموع نتایج گواه آن است شرکت‌های با هزینه نمایندگی بیشتر، دارای رویکردی جسورانه‌تر نسبت به پرداخت مالیات هستند.

ساختار بقیه مقاله بدین صورت است که در ابتدا ادبیات پژوهش مورد بحث قرار می‌گیرد. پس از آن روش پژوهش و موارد مرتبط با آن ارائه می‌شود. نتایج مرتبط با آمار توصیفی و استنباطی قسمت بعدی مقاله را تشکیل خواهد داد. در انتها نیز بحث و نتیجه‌گیری مطرح خواهد شد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

رابطه نمایندگی و هزینه‌های وابسته به آن دسای و دارماپالا^۷ (۲۰۰۶) استدلال می‌نمایند که مدیران ممکن است از طریق اتخاذ رویکرد جسورانه

نسبت‌های کارآیی و تعامل بین فرصت‌های رشد شرکت و جریان‌های نقد آزاد از جمله پرکاربردترین و مهمترین این معیارها است.

در خصوص سنجش نسبت‌های کارآیی، نسبت هزینه‌های عملیاتی به فروش سالانه و نسبت گردش دارایی‌ها دو مورد از این نسبت‌ها می‌باشند. فلوراکیس^{۱۲} (۲۰۰۸) و فلمینگ و همکاران^{۱۳} (۲۰۰۵) از جمله پژوهشگرانی هستند که در پژوهش خود جهت اندازه‌گیری هزینه‌های نمایندگی از معیار نسبت گردش دارایی‌ها استفاده کرده‌اند.

تعامل بین جریان‌های نقد آزاد و فرصت‌های رشد شرکت از دیگر معیارهای سنجش هزینه‌های نمایندگی است. بر اساس این معیار، شرکت‌هایی که دارای جریان‌های نقد آزاد بالا و فرصت‌های رشد و سرمایه‌گذاری کم می‌باشند، دارای هزینه نمایندگی بالایی هستند. محققانی همچون هنری^{۱۴} (۲۰۱۰)، مک نایت و ویر^{۱۵} (۲۰۰۸) و دوکاس و همکاران^{۱۶} (۲۰۰۵) از این معیار در راستای سنجش هزینه‌های نمایندگی استفاده کرده‌اند.

مالیات و رویکرد جسورانه به آن

منظور از برنامه‌های مالیاتی جسورانه، طیف گسترده‌ای از معاملاتی است که عمدتاً بدون انجام یک اقدام واقعی توسط شرکت، به منظور کاهش بدهی مالیاتی انجام می‌شوند (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). سیاست‌های مالیاتی در معنای عام و برنامه‌ریزی مالیاتی جسورانه بطور خاص؛ ممکن است پیامدهای بالقوه مستقیم و غیر مستقیم برای شرکت بوجود آورد. کاهش هزینه مالیات و افزایش جریان نقدی و افزایش ثروت سهامداران از جمله پیامدهای مستقیم؛ و کاهش تخفیف‌های مالیاتی، احتمال وضع مالیات‌های بیشتر و یا تعیین جرایم مالیاتی و همچنین فشارهای سیاسی و اجتماعی و کاهش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و به تبع آن کاهش ارزش شرکت از جمله پیامدهای غیرمستقیم استراتژی‌ها و برنامه ریزی‌های مالیاتی می‌باشند (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). علاوه بر این ممکن است جامعه نیز

مالیاتی رانت‌طلبی اطلاعاتی که را در چارچوب رابطه نمایندگی شکل می‌گیرد را پنهان نمایند و این امر در صورتی می‌تواند محقق شود که تعامل بین رویکرد جسورانه مالیاتی و رانت‌طلبی قابل تعریف باشد. در مجموع پژوهش‌های متنوعی انجام شده است که تلویحاً بر این مفهوم دلالت دارند که رویکردهای جسورانه نسبت به مالیات در شرکت‌های با مشکلات نمایندگی حادثتر، بیشتر مشاهده می‌شود (مانند پژوهش چن و همکاران^{۱۷}، ۲۰۱۰؛ بادرتشر و همکاران، ۲۰۱۳؛ استیورز و نیسکانن^{۱۸}، ۲۰۱۳). با این حال، تا کنون پژوهشی که به طور مستقیم اثر هزینه‌های نمایندگی را بر رویکرد جسورانه مالیاتی ارزیابی کند، صورت نگرفته است.

منشأ پدیدار شدن نظریه نمایندگی، ایجاد رابطه نمایندگی بین کارگزار (مدیر) و کارگمار (مالک) است و این نظریه یکی از بحث‌انگیزترین مباحث موجود در مالیه شرکتی بوده است. رابطه نمایندگی قراردادی است که به موجب آن افراد و گروه‌های مختلف، فرد یا گروهی را به عنوان مباشر یا نماینده خود انتخاب می‌کنند و او را در جایگاه مسئول و مأمور ارائه مجموعه‌ای از خدمات مشخص، قرار می‌دهند (والاس^{۱۹}، ۱۹۸۰). انعقاد این قرارداد مستلزم تفویض اختیار تصمیم‌گیری به نماینده و همچنین پرداخت حق‌الزحمه به وی است. با ایجاد رابطه نمایندگی، هریک از طرفین به دنبال حداکثر کردن منافع شخصی خود هستند. در برخی موارد الزاماً افزایش ثروت مدیران یا نمایندگان در راستای افزایش منافع سایر ذینفعان از جمله مالک یا سهامداران نیست. مالکان یا سهامداران جهت کاهش تضاد و همچنین رفع شرایطی که مدیر می‌تواند در راستای منافع شخصی خود قدم بردارد، متحمل هزینه‌هایی می‌شوند. این هزینه‌ها را هزینه‌های نمایندگی نامیده‌اند. چنانچه رابطه نمایندگی برقرار گردد، حذف کلیه هزینه‌های نمایندگی مستلزم شرایطی ایده‌آلی است که در عمل هیچ‌گاه مشاهده نمی‌شود (لونتیس و همکاران^{۲۰}، ۲۰۱۱). جهت سنجش هزینه‌های نمایندگی از معیارهای مختلفی استفاده شده است.

شد. آزمون‌های تجربی پژوهشگران مزبور از ادعاهای نظری آنان پشتیبانی نمود. در واقع به نظر می‌رسد در شرکت‌هایی که نظریه نمایندگی در مورد آنها مصداق ندارد و رابطه نمایندگی شکل کم‌رنگی به خود می‌گیرد، تمایل ورود به طرح‌های جسورانه و پرریسک کم می‌شود و انگیزه رانت‌خواهی و کسب منفعت توسط مدیران به ضرر سهامداران به دلیل عدم جدایی مالکیت از مدیریت وجود نخواهد داشت.

شواهد تجربی به دست آمده از پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۰) نیز موید این موضوع می‌باشد. یکی از موارد مطرح در نظریه نمایندگی رانت‌جویی و عدم تقارن اطلاعاتی است که به دلیل عدم دسترسی مستقیم سهامداران به اطلاعاتی که در اختیار کارگزاران و نمایندگان (مدیران) قرار دارد، شکل می‌گیرد. رانت‌جویی اشاره به فعالیت‌های متعدد فاقد ارزشی دارد که تصمیم‌گیرندگان شرکت‌ها به قیمت متضرر شدن سهامداران اتخاذ می‌کنند و از جمله شامل گزارشگری مالی متهورانه، مصارف بی‌رویه و معاملات با اشخاص وابسته می‌شود (چن و همکاران، ۲۰۱۰). دسای و دارماپالا (۲۰۰۶) متذکر می‌شوند که فعالیت‌های قابل انجام در راستای اجتناب از پرداخت مالیات از جمله جست و جو برای انتقال کالا به مناطق دارای معافیت مالیاتی یا ایجاد ساختارهای معاملاتی پیچیده مانند معامله با اشخاص وابسته دارای معافیت‌های مالیاتی، اغلب داد و ستدهای بسیار پیچیده‌ای را در بر می‌گیرد که برای پنهان‌کاری و جلوگیری از کشف تخلفات از سوی سازمان امور مالیاتی، طراحی می‌شوند. بنابراین به نظر می‌رسد وجود تضادهای نمایندگی، جدایی مالکیت از مدیریت و افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌تواند به اتخاذ رویکرد جسورانه و متهورانه نسبت به مالیات کمک کند.

بخشی از فسادهای بزرگی نیز که در دهه‌های اخیر رخ داده است، ناشی از ایجاد سودهایی متورم از طریق گزارشگری مالیاتی جسورانه بوده است. به عنوان مثال کمیته مشترک مالیاتی کنگره ایالات متحده در گزارش خود در سال ۲۰۰۳ به سودهایی اشاره

شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی جسورانه‌ای در پیش می‌گیرند را نیز جریمه و یا تحریم کنند و این استراتژی‌ها شهرت منفی برای شرکت به وجود بیاورد (حسینو و کلام، ۲۰۱۲).

از نگاه وزن کاهش مالیات که با استفاده از ابزارهای قانونی صورت می‌گیرد، اجتناب مالیاتی تعریف می‌شود و عدم پرداخت مالیات و بدهی مالیاتی با استفاده از ابزارهای مجرمانه، فرار مالیاتی است (وزن^{۱۷}، ۲۰۰۲). به نظر می‌رسد رویه‌های مالیاتی جسورانه، رویه‌هایی باشد که بین این دو طیف، یعنی اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی، قرار گیرد اما به مورد دوم نزدیکتر باشد و دارای ریسک و پیامدهای ناخوشایند بیشتری نسبت به اجتناب مالیاتی است.

مشکلات نمایندگی و اجتناب جسورانه مالیاتی

در بررسی ادبیات تجربی و نظری مرتبط با موضوع پژوهش به پژوهش‌هایی می‌توان اشاره داشت که به طور ضمنی هزینه‌های نمایندگی و هزینه‌های ناشی از اتخاذ رویکرد جسورانه نسبت به مالیات را با یکدیگر مرتبط می‌دانند (مانند پژوهش‌های بادرتشر و همکاران، ۲۰۱۳؛ استیورس و نیسکانن، ۲۰۱۴؛ چن و همکاران، ۲۰۱۰؛ دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶؛ باباجانی و عبدی، ۱۳۸۹؛ پورحیدری و سروستانی، ۱۳۹۲؛ سپاسی و فتحی، ۱۳۹۴؛ کرمی و همکاران، ۱۳۹۵ و عابدی و همکاران، ۱۳۹۵). استیورس و نیسکانن (۲۰۱۴) از منظر نظریه نمایندگی به تبیین این موضوع پرداختند که آیا در شرکت‌های خصوصی با مالکیت خانوادگی رویکرد جسورانه نسبت به پرداخت مالیات تفاوت معناداری با شرکت‌های غیرخانوادگی دارد یا خیر؟ محققان مذکور بر این باور بودند در شرکت‌های خانوادگی به دلیل کم‌رنج بودن روابط نمایندگی و مشکلات منتج شده از آن، انتظار بر آن است تمایل به اتخاذ رویکردهای جسورانه و به طور خاص در مورد مالیات کمتر باشد و ریسک‌های مرتبط با گزارشگری مالیاتی متهورانه را متحمل نشده و از این رو اجتناب مالیاتی کمتری مشاهده خواهد

۳- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به اینکه در راستای سنجش اجتناب مالیاتی از دو معیار نرخ موثر مالیاتی بر اساس استانداردهای حسابداری و نرخ موثر مالیاتی نقدی استفاده شده است و همچنین به منظور اندازه‌گیری هزینه‌های نمایندگی نیز از دو معیار تعامل بین جریان‌های نقد آزاد و فرصت‌های رشد و نسبت گردش دارایی‌ها بهره‌گیری شده است، فرضیه‌هایی به شرح زیر طراحی و ارائه شده است:

- ۱) تعامل بین جریان‌های نقد آزاد و فرصت‌های رشد تاثیر منفی و معناداری بر نرخ موثر مالیاتی بر اساس استانداردهای حسابداری دارد.
- ۲) نسبت گردش دارایی‌ها تاثیر مثبت و معناداری بر نرخ موثر مالیاتی بر اساس استانداردهای حسابداری دارد.
- ۳) تعامل بین جریان‌های نقد آزاد و فرصت‌های رشد تاثیر منفی و معناداری بر نرخ موثر مالیاتی نقدی دارد.
- ۴) نسبت گردش دارایی‌ها تاثیر مثبت و معناداری بر نرخ موثر مالیاتی نقدی دارد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های شبه تجربی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری می‌باشد و از حیث هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی می‌باشد. روش پژوهش حاضر از نوع استقرایی و پس‌رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) می‌باشد. اطلاعات شرکت‌ها به صورت تلفیقی و به وسیله الگوی رگرسیون چندگانه حداقل مربعات معمولی مورد بررسی قرار گرفته است. اطلاعات مزبور از نرم‌افزار ره آورد نوین استخراج و با اطلاعات صورت‌های مالی تطبیق یافت و برای آماده‌سازی اطلاعات، از صفحه گسترده اکسل و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نسخه ۶ نرم افزار EViews و نسخه ۱۶ نرم افزار SPSS استفاده گردید.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال

می‌نماید که شرکت انرون به واسطه رویکرد جسورانه مالیاتی ایجاد نموده بود که الزاماً هم نشانگر مزایای واقعی نبودند (چن و همکاران، ۲۰۱۰). به هر حال این موضوع در اکثر شرکت‌های ورشکسته که از هزینه‌های نمایندگی رنج می‌برده‌اند به وضوح دیده می‌شود.

یکی دیگر از مسائلی که همزمان با رابطه نمایندگی شکل می‌گیرد، قراردادهای جبران خدماتی است که بین کارگزار و کارگمار منعقد می‌شود. در بسیاری از موارد، مزایای مرتبط با جبران خدمات مبتنی بر اعداد و ارقام حسابداری و عملکرد شرکت است و این خود می‌تواند انگیزه‌های مضاعفی را برای مدیران و کارگزاران در راستای ورود به گزارشگری مالیاتی متهورانه به منظور بهتر نشان دادن عملکرد شرکت ایجاد کند. در واقع مالکان به منظور کاهش هزینه‌های نمایندگی اقدام به عقد چنین قراردادهایی با مدیران می‌نمایند لیکن برخی از معیارهای تعیین شده در چنین قراردادهایی خود می‌تواند به طور غیر مستقیم منجر به افزایش هزینه‌های نمایندگی شود. به هر حال هرآنچه احتمال برود هزینه‌های نمایندگی ناشی از نماینده بیشتر باشد، ممکن است پرداخت‌های مبتنی بر عملکرد (پرداخت‌های نامطمئن جبران خدمات یا مبتنی بر ریسک) بیشتری در نظر گرفته شود و این پرداخت نامطمئن و مبتنی بر عملکرد می‌تواند توجیه و انگیزه لازم را برای اجتناب از پرداخت مالیات و تحمل خطر مربوط به این امر را برای مدیر فراهم آورد. پژوهش تجربی آرمسترانگ و همکاران^{۱۸} (۲۰۱۳) در مورد مشوق‌های اجتناب مالیاتی از این نظریه پشتیبانی می‌کند. بنابراین از این منظر نیز می‌توان انتظار داشت، افزایش هزینه‌های نمایندگی و وجود مشکلات نمایندگی بیشتر به افزایش اجتناب از پرداخت مالیات به شکلی جسورانه بیانجامد. از این رو فرضیه کلی پژوهش حاضر را به ترتیب زیر می‌توان بیان نمود:

" با فرض ثبات سایر عوامل، افزایش هزینه‌های نمایندگی منجر به افزایش اجتناب از پرداخت مالیات به شکلی جسورانه خواهد شد."

که در این رابطه:
 GAAP_ETR: نرخ موثر مالیاتی بر اساس استانداردهای حسابداری می‌باشد.
 TAX EXPENSE: میانگین هزینه مالیات ابرازی شرکت در طی سه سال t و t-1 و t-2 می‌باشد که در صورت سود و زیان نشان داده می‌شود.
 PRETAX INCOME: میانگین سود قبل از مالیات شرکت در طی سه سال t و t-1 و t-2 می‌باشد که در صورت سود زیان وجود دارد.

متغیر مستقل

FCFGROWTH_{i,t}: معیار اول هزینه‌های نمایندگی و بیانگر تعامل بین فرصت‌های رشد و جریان‌های نقد آزاد است. در راستای محاسبه این معیار، فرصت‌های رشد به وسیله نسبت Q توبین سنجیده شد که از طریق رابطه ۲ به دست می‌آید:
 رابطه (۲)

Tobin's-Q=

(تعداد سهام در دست سهامداران* ارزش بازار هر سهم) + ارزش دفتری بدهی‌ها
 ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت

پس از محاسبه نسبت مذکور، برای هر سال با استفاده از میانه نسبت Q توبین، شرکت‌های نمونه به دو گروه بالاتر و پایین‌تر از میانه تقسیم‌بندی شده، سپس به شرکت‌های گروهی که نسبت Q توبین آن بالای میانه باشد عدد صفر و به شرکت‌های گروه دوم عدد یک اختصاص یافت. در واقع شرکت‌هایی که نسبت Q توبین آنها بالاتر از میانه است، دارای فرصت رشد بالاتری نسبت به سایر شرکت‌ها هستند و از این رو انتظار می‌رود هزینه نمایندگی کمتری داشته باشند (هنری، ۲۰۱۰). جریان‌های نقد آزاد به پیروی از یوان و جیانگ^{۱۹} (۲۰۰۸) به ترتیب رابطه ۳ محاسبه شد:

رابطه (۳)

$$FCF_{it} = OPERCASHNET_{it} - INTST_{it} - DIVIDEND_{it}$$

که در این رابطه:

FCF_{it}: جریان نقد آزاد شرکت i در سال t می‌باشد

های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ تشکیل می‌دهد. در راستای امکان‌پذیری انجام پژوهش و اعتبار هرچه بیشتر آن، شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر نبوده‌اند از فرآیند بررسی کنار گذاشته شده‌اند:

- (۱) شرکت‌هایی که تا پایان سال ۱۳۸۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
 - (۲) در زمره شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی به دلیل متفاوت بودن ماهیت فعالیت آنها قرار نگرفته باشد.
 - (۳) سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفندماه باشد و در دوره مورد نظر تغییر سال مالی نداده باشند.
 - (۴) در تمامی سال‌های مورد بررسی در چهارماهه پایان سال سهام آنها حداقل یک بار مورد معامله قرار گرفته باشد تا بتوان قیمت بازار هر سهم را در پایان سال به دست آورد.
 - (۵) اطلاعات مورد نیاز جهت انجام این پژوهش در مورد آنها وجود داشته باشد.
- با توجه به شرایط فوق ۱۳۸ شرکت جهت استفاده در این پژوهش انتخاب شدند.

۵- الگو و متغیرهای پژوهش

الگوهای مورد استفاده در این پژوهش، الگوی رگرسیونی ۱ و ۲ به شرح زیر است:

الگوی (۱)

$$GAAP-ETR_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 FCFGROWTH_{i,t} + \beta_2 ASSETUT_{i,t} + \beta_3 LEVERAGE_{i,t} + \beta_4 TOBIN'S\ Q_{i,t} + \beta_5 INVINT_{i,t} + \beta_6 CINT_{i,t} + \beta_7 SIZE_{i,t} + \beta_8 INSTOWNER_{i,t} + \beta_9 AUDIT_{i,t} + \beta_{10} INDUSTRY_{i,t} + \varepsilon$$

که در این الگو:

GAAP-ETR_{i,t}: بیانگر نرخ موثر مالیات بر اساس استانداردهای حسابداری است. این معیار در پژوهش‌های افرادی همچون بادرشیر و همکاران (۲۰۱۳) و چن و همکاران (۲۰۱۰) برای سنجش اجتناب مالیاتی جسورانه مورد استفاده قرار گرفته است. معیار مزبور از طریق رابطه ۱ به دست می‌آید:

رابطه (۱)

$$GAAP_ETR = \frac{TAX\ EXPENSE}{PRETAX\ INCOME}$$

هرآنچه یک شرکت دارایی‌های ثابت بیشتری در اختیار داشته‌باشد، با هزینه استهلاک بیشتری مواجه خواهد شد و این امر در نهایت بر نرخ موثر مالیاتی می‌تواند تاثیرگذار باشد. این متغیر از طریق تقسیم جمع دارایی‌های ثابت بر جمع دارایی‌ها حاصل می‌شود.

$SIZE_{i,t}$: بیانگر اندازه شرکت است و از طریق لگاریتم طبیعی ارزش دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود. بر اساس فرضیه هزینه سیاسی و همچنین نظریه قدرت سیاسی می‌توان انتظار داشت بین اندازه شرکت‌ها و رویکرد مالیاتی آن‌ها رابطه وجود داشته‌باشد.

$INSTOWNER_{i,t}$: بیانگر درصد سهام تحت تملک مالکان نهادی می‌باشد. پژوهش کارونا و مورز^۲ (۲۰۱۲) حاکی از اثرگذاری مالکیت نهادی بر سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها است.

$AUDIT_{i,t}$: بیانگر کیفیت حسابرسی شرکت‌های مورد بررسی و یک متغیر دو وجهی است و بر اساس مبانی و پیشینه تجربی مرتبط در ایران، در صورتی که حسابرس شرکت سازمان حسابرسی باشد، عدد یک منظور شده و در غیر این صورت عدد صفر لحاظ می‌شود. پژوهش‌های تجربی پیشین مانند مینیک و نوگا (۲۰۱۰) بیانگر اثرگذاری کیفیت حسابرسی بر سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها است.

$INDUSTRY_{i,t}$: با استفاده از یک متغیر مجازی اثر نوع صنعت نیز مورد کنترل قرار گرفته‌است. بدین ترتیب که چنانچه شرکت مورد بررسی عضو صنایع سیمان و مواد کانی باشد عدد یک لحاظ شده و در غیر این صورت عدد صفر برای متغیر منظور می‌شود.

الگوی (۲)

$$CASH-ETR_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 FCFGROWTH_{i,t} + \beta_2 ASSETUT_{i,t} + \beta_3 LEVERAGE_{i,t} + \beta_4 TOBIN'S Q_{i,t} + \beta_5 INVINT_{i,t} + \beta_6 CINT_{i,t} + \beta_7 SIZE_{i,t} + \beta_8 INSTOWNER_{i,t} + \beta_9 AUDIT_{i,t} + \beta_{10} INDUSTRY_{i,t} + \varepsilon$$

در این الگو:

$CASH_ETR$: متغیر وابسته و بیانگر نرخ موثر مالیات نقدی است. معیار دیگری که در راستای سنجش اجتناب مالیاتی استفاده است، نرخ موثر

$OPERCASHNET_{i,t}$: خالص جریان نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی شرکت i در سال t می‌باشد
 $INTST_{i,t}$: بهره پرداختی شرکت i در سال t می‌باشد
 $DIVIDEND_{i,t}$: سود تقسیمی شرکت i در سال t می‌باشد.

پس از محاسبه جریان‌های نقد آزاد برای هر شرکت به منظور افزایش قابلیت مقایسه، برمبلغ فروش شرکت تقسیم شد. از طریق ضرب دو عامل مذکور، هزینه‌های نمایندگی برای شرکت‌های مورد بررسی حاصل شد.

$ASSETUT_{i,t}$: دومین معیار سنجش هزینه‌های نمایندگی و متغیر مستقل پژوهش است و معرف نسبت گردش دارایی‌ها است. این نسبت از جمله نسبت‌های معروف است که بیانگر کارایی مدیریت و چگونگی بهره‌گیری وی از دارایی‌ها می‌باشد. هرآنچه نسبت مذکور بالاتر باشد، مبین کارایی بیشتر مدیر و در نتیجه هزینه‌های نمایندگی کمتر است. نسبت مذکور از طریق تقسیم فروش شرکت بر مجموع دارایی‌های آن حاصل می‌شود (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۱).

$LEVERAGE_{i,t}$: متغیر کنترلی پژوهش و نشانگر نسبت بدهی شرکت i در سال t است که از طریق تقسیم مجموع بدهی به مجموع دارایی‌ها به دست می‌آید.

$OPPORTUNITY_{i,t}$: متغیر کنترلی پژوهش و نشانگر فرصت رشد شرکت i در سال t می‌باشد که به وسیله نسبت Q توبین اندازه‌گیری شده‌است.

$INVINT_{i,t}$: بیانگر شدت سرمایه‌گذاری در موجودی کالا توسط شرکت i در سال t است. هرآنچه موجودی کالای پایان‌دوره یک شرکت بیشتر باشد، بهای تمام شده کمتر و سود خالص بیشتری خواهد داشت و این امر منجر به افزایش سود قبل از مالیات و در نهایت کاهش نرخ موثر مالیاتی خواهد شد. این متغیر از طریق تقسیم جمع موجودی کالا بر جمع دارایی‌ها به دست می‌آید.

$CINT_{i,t}$: نشانگر شدت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های سرمایه‌ای توسط شرکت i در سال t است.

۶- یافته های پژوهش

۶-۱- آمار توصیفی

در ابتدا و قبل از آزمون فرضیه‌ها، آمار توصیفی محاسبه شده شامل میانگین، میانه و انحراف معیار متغیرهای مورد بررسی در جدول ۱ نشان داده شده است.

۶-۲- نتایج تجربی

در ابتدا و قبل از برازش الگو، میزان همخطی بین متغیرهای مستقل پژوهش از طریق آزمون تورم واریانس مورد بررسی قرار گرفت. نتایج مرتبط با عامل تورم واریانس و تلورانس متغیرهای مستقل پژوهش نشان داد که کلیه متغیرهای پژوهش دارای عامل تورم واریانس کمتر از ۵ هستند که این امر حاکی از عدم وجود همخطی شدید بین متغیرهای مستقل است.

همچنین لازم به ذکر است برای انتخاب بین روش داده‌های ترکیبی (pooling) و تلفیقی (panel) از آزمون چاو استفاده شده است. با توجه به اینکه p -value حاصل از این آزمون برای الگوی اول و دوم به ترتیب برابر با (۰/۹۲۷) و (۰/۲۲۲) است، p -value > 0.05 روش داده‌های ترکیبی استفاده شد. جدول ۲، آماره F و سطح معناداری مربوط به آزمون چاو را نشان می‌دهد.

مالیات نقدی است که بر اساس مالیات پرداختی و نشان داده شده در صورت جریان وجه نقد به دست می‌آید و در پژوهش افرادی همچون بادرشر و همکاران (۲۰۱۳) و چن و همکاران (۲۰۱۰) برای سنجش اجتناب مالیاتی جسورانه مورد استفاده قرار گرفته است. این معیار بر اساس رابطه ۴ به دست می‌آید:

$$\text{CASH_ETR} = \frac{\text{CASH TAX PAID}}{\text{PRETAX INCOME}} \quad (\text{رابطه ۴})$$

که در این رابطه:

CASH_ETR: نرخ موثر مالیاتی نقدی می‌باشد.
CASH TAX PAID: میانگین مالیات نقدی پرداختی شرکت در طی سه سال t و $t-1$ و $t-2$ می‌باشد که در صورت جریان وجه نقد نشان داده می‌شود.
PRETAX INCOME: میانگین سود قبل از مالیات شرکت در طی سه سال t و $t-1$ و $t-2$ می‌باشد که در صورت سود زیان وجود دارد.
سایر متغیرهای الگوی دوم مشابه متغیرهای الگوی اول پژوهش است که به تفصیل شرح داده شد.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

انحراف معیار	میانها	میانگین	شاخص متغیر
۰/۰۸۸	۰/۱۳	۰/۱۱۵	نرخ موثر مالیات بر اساس استانداردهای حسابداری
۲/۰۶۸	۰/۱۲	۰/۲۴	نرخ موثر مالیاتی نقدی
۰/۱۶۴	۰/۰۴	۰/۰۲۶	جریان‌های نقدی آزاد
۰/۷۷۵	۱/۲۰	۱/۴۱	فرصت‌های رشد
۰/۴۴۷	۰/۷۷۰	۰/۸۳۵	نسبت گردش دارایی‌ها
۰/۱۱۴	۰/۲۳۰	۰/۲۳۹	شدت سرمایه‌گذاری در موجودی کالا
۰/۱۷۷	۰/۲۲۰	۰/۲۶۲	شدت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت
۰/۵۷۳	۵/۷۵	۵/۸۳	اندازه شرکت
۰/۳۴	۰/۳۲	۰/۴۰۴	مالکیت نهادی
۰/۴۴	۰	۰/۲۷۲	کیفیت حسابداری

جدول ۲- نتایج آزمون چاو (F لیمر)

نتیجه آزمون	Prob	d.f	statistic	Effect Test	
				period F	period Chi-square
روش ترکیبی یا Pooling انتخاب می‌شود	۰/۰۹۲۷	(۸,۱۲۲۴)	۱/۷۰۵۵	period F	الگوی اول
	۰/۰۸۸	۸	۱۳/۷۶۸	period Chi-square	
روش ترکیبی یا Pooling انتخاب می‌شود	۰/۲۲۲	(۸,۱۲۲۴)	۱/۳۳۳	period F	الگوی دوم
	۰/۲۱۴	۸	۱۰/۷۷۷	period Chi-square	

جهت سنجش هزینه‌های نمایندگی، نسبت گردش دارایی‌ها بود. علامت مربوط به این متغیر (مثبت بودن) و سطح معناداری متغیر بیانگر اثرگذاری مستقیم متغیر مذکور بر نرخ موثر مالیاتی بر طبق استانداردهای حسابداری است. بنابراین فرضیه دوم پژوهش رد نمی‌شود. این در حالی است که افزایش در نسبت در گردش دارایی‌ها، نشانگر کاهش هزینه‌های نمایندگی است و از طرف دیگر افزایش در نرخ موثر مالیاتی نیز حاکی از کاهش اجتناب مالیاتی شرکت به شکلی جسورانه است. بنابراین با در نظر گرفتن نسبت گردش دارایی‌ها به عنوان معیار هزینه‌های نمایندگی، می‌توان مشاهده نمود که سطح هزینه‌های نمایندگی یک شرکت بر رویکرد جسورانه مالیاتی آن موثر است و در شرکت‌های با هزینه‌های نمایندگی کم، اتخاذ رویکرد جسورانه مالیاتی نیز کمتر است. همچنین لازم به ذکر است که در ابتدا، آماره دوربین واتسون الگوی اول، کمتر از ۱,۵ بود و از این رو یک متغیر خود رگرسیو مرتبه اول (AR1) به الگو اضافه گردید و پس از آن همانگونه که در جدول ۳ مشخص است، آماره دوربین واتسون به عدد ۲ نزدیک شد و از این رو مشکلی از بابت همبستگی بین خطاهای الگو وجود ندارد.

در جدول شماره ۴، نتایج مربوط به برازش الگوی دوم پژوهش ارائه شده است. در راستای آزمون فرضیه‌های زیر از الگوی دوم استفاده شده است:

- (۳) تعامل بین جریان‌های نقد آزاد و فرصت‌های رشد تاثیر منفی و معناداری بر نرخ موثر مالیاتی نقدی دارد.
- (۴) نسبت گردش دارایی‌ها تاثیر مثبت و معناداری بر نرخ موثر مالیاتی نقدی دارد.

در ادامه نتایج حاصل از برازش الگوی اول پژوهش در جدول ۳ ارائه شده است. به منظور آزمون دو فرضیه زیر از الگوی اول استفاده شده است:

- (۱) تعامل بین جریان‌های نقد آزاد و فرصت‌های رشد تاثیر منفی و معناداری بر نرخ موثر مالیاتی بر اساس استانداردهای حسابداری دارد.
- (۲) نسبت گردش دارایی‌ها تاثیر مثبت و معناداری بر نرخ موثر مالیاتی بر اساس استانداردهای حسابداری دارد.

ضریب مربوط به معیار اول هزینه‌های نمایندگی یعنی تعامل بین فرصت‌های رشد و جریان‌های نقد آزاد برابر با $-۰/۰۴۴$ و دارای سطح معناداری $(۰/۰۱۸)$ است. منفی بودن ضریب این متغیر و همچنین سطح معناداری آن، حاکی از اثرگذاری معکوس این متغیر بر نرخ موثر مالیاتی بر طبق استانداردهای حسابداری است. بنابراین فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود. این نتیجه موید آن است که با افزایش هزینه‌های نمایندگی، نرخ موثر مالیاتی کاهش می‌یابد. کاهش در نرخ موثر بیانگر افزایش در اختلاف سود حسابداری و سود مشمول مالیات است و این امر نشان از جسورانه‌تر شدن رویکرد مالیاتی شرکت است. به عبارت دیگر همانگونه که در بخش مبانی نظری عنوان شد، در شرکت‌های دارای هزینه‌های نمایندگی بالا، تمایل به ورود در پروژه‌های ریسکی به مراتب بیشتر می‌باشد و با توجه به اینکه رویکرد جسورانه نسبت به مالیات از جمله مواردی است که با ریسک‌های متنوعی همراه است، افزایش در هزینه‌های نمایندگی می‌تواند مسبب اتخاذ رویکرد جسورانه نسبت به مالیات شود. ضریب مربوط به معیار دوم هزینه‌های نمایندگی نیز برابر با $۰/۰۴۴$ و دارای سطح معناداری $(۰/۰۰۰)$ است. معیار دوم مورد استفاده

جدول شماره ۳- نتایج حاصل از برازش الگوی اول پژوهش

$$GAAP-ETR_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 FCGROWTH_{i,t} + \beta_2 ASSETUT_{i,t} + \beta_3 LEVERAGE_{i,t} + \beta_4 TOBIN'S\ Q_{i,t} + \beta_5 INVINT_{i,t} + \beta_6 CINT_{i,t} + \beta_7 SIZE_{i,t} + \beta_8 INSTOWNER_{i,t} + \beta_9 AUDIT_{i,t} + \beta_{10} INDUSTRY_{i,t} + \varepsilon$$

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۱۶۲۲	۰/۰۴۴	۳/۶۸۷	(۰/۰۰۰)
تعامل بین جریان‌های نقد آزاد و فرصت‌های رشد	-۰/۰۴۴	۰/۰۱۸۷	-۲/۳۵۸	(۰/۰۱۸)
نسبت گردش دارایی‌ها	-۰/۰۴۴	۰/۰۰۷	۶/۳۲۲	(۰/۰۰۰)
نسبت بدهی	-۰/۰۵۰	۰/۰۱۲	-۴/۰۰۵	(۰/۰۰۰)
فرصت‌های رشد	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	-۱/۰۱۵	(۰/۳۰۹)
شدت سرمایه‌گذاری در موجودی کالا	۰/۰۵۷	۰/۰۲۷	۲/۰۷۶	(۰/۰۳۸)
شدت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت	-۰/۰۱۶۷	۰/۰۱۹	-۰/۸۷۸	(۰/۳۷۹)
اندازه شرکت	-۰/۰۱۰	۰/۰۰۶	-۱/۶۱۸	(۰/۱۰۶)
درصد مالکیت نهادی	۰/۰۱۳	۰/۰۱۰	۱/۳۵۹	(۰/۱۷۴)
کیفیت حسابرسی	۰/۰۰۴	۰/۰۰۷	۰/۵۵۰	(۰/۵۸۲)
نوع صنعت	۰/۰۱۳	۰/۰۱۵	۰/۸۸۱	(۰/۳۷۸)
متغیر خودرگرسیو مرتبه اول	۰/۵۱۲	۰/۰۲۴	۲۰/۸۰۱	(۰/۰۰۰)
ضریب تعیین	۰/۳۳۱		ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۲۵
آماره F	۵۵/۳۶۳		دوربین-واتسون	۲/۰۲۸

پرداخت می‌شوند و این امر در نهایت می‌تواند منجر به نامربوط شدن نرخ موثر مالیاتی نقدی شود. اگرچه معیار اول هزینه‌های نمایندگی رابطه معناداری با نرخ موثر مالیاتی نقدی نداشت، معیار دوم هزینه‌های نمایندگی دارای ضریبی برابر ۰/۵۸۶ و سطح معناداری (۰/۰۰۰) است و از این رو به طور معناداری نرخ موثر مالیاتی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. مثبت بودن علامت ضریب نیز موید آنچه می‌باشد که در مبانی نظری مطرح شد زیرا که افزایش در نسبت گردش دارایی‌ها (معیار دوم هزینه‌های نمایندگی) نشانگر کاهش هزینه‌های نمایندگی است. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش رد نمی‌شود. این امر بیانگر این است که با افزایش نسبت گردش دارایی‌ها (کاهش هزینه‌های نمایندگی) نرخ موثر مالیاتی نقدی افزایش می‌یابد (اجتناب جسورانه از پرداخت مالیات کاهش می‌یابد).

در الگوی دوم، معیار اجتناب مالیاتی جسورانه به نرخ موثر مالیاتی نقدی تغییر پیدا کرده و نتایج به دست آمده از برازش الگو با قدرت کمتری مبانی نظری ذکر شده را تایید می‌کند. ضریب مربوط به معیار اول هزینه‌های نمایندگی (تعامل فرصت‌های رشد و جریان‌های نقد آزاد) برابر با (-۰/۶۰۴) است لیکن سطح معناداری متناظر آن برابر با (۰/۲۹۱) است و از این رو معنادار نیست. بنابراین فرضیه سوم پژوهش رد می‌شود. در واقع اگرچه علامت منفی ضریب متغیر موید آنچه پیش‌بینی شده، می‌باشد، اما نمی‌توان با درجه اطمینان معقولی اثرگذاری معکوس این متغیر را بر نرخ موثر مالیات نقدی پذیرفت. معنادار نشدن این متغیر را می‌توان به نحوه پرداخت مالیات شرکت‌ها در ایران مرتبط نمود. سیستم اخذ مالیات کشور به نحوی است که مودیان این حق را دارند که نسبت به مالیات تشخیصی توسط سازمان امور مالیاتی اعتراض کنند و برخی اوقات رسیدگی و حل اختلاف بین طرفین تا چندین سال ممکن است به درازا بکشد. لذا زمانی که نرخ موثر را بر اساس مالیات پرداختی محاسبه می‌نمایند، ممکن است مالیات پرداختی در برگیرنده مالیات‌های مربوط به چندین دوره قبل باشد که به دلیل قطعی شدن در سال مورد نظر در پژوهش،

جدول شماره ۴ - نتایج حاصل از برازش الگوی دوم پژوهش

$$CASH-ETR_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 FCFGROWTH_{i,t} + \beta_2 ASSETUT_{i,t} + \beta_3 LEVERAGE_{i,t} + \beta_4 TOBIN'S\ Q_{i,t} + \beta_5 INVINT_{i,t} + \beta_6 CINT_{i,t} + \beta_7 SIZE_{i,t} + \beta_8 INSTOWNER_{i,t} + \beta_9 AUDIT_{i,t} + \beta_{10} INDUSTRY_{i,t} + \varepsilon$$

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	-۰/۷۳۳	۰/۷۹۴	-۰/۹۲۳	(۰/۳۵۶)
تعامل بین جریان‌های نقد آزاد و فرصت‌های رشد	-۰/۶۰۴	۰/۵۷۳	-۱/۰۵۵	(۰/۲۹۱)
نسبت گردش دارایی‌ها	۰/۵۸۶	۰/۱۴۰	۴/۱۸۲	(۰/۰۰۰)
نسبت بدهی	۰/۷۱۸	۰/۲۸۴	۲/۵۲۷	(۰/۰۱۱)
فرصت‌های رشد	-۰/۰۶۹	۰/۰۸۶	-۰/۸۰۱	(۰/۴۲۳)
شدت سرمایه‌گذاری در موجودی کالا	-۰/۰۵۲	۰/۶۰۲	-۰/۰۸۷	(۰/۹۳۰)
شدت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت	۰/۱۷۸	۰/۳۶۵	۰/۴۸۹	(۰/۶۲۵)
اندازه شرکت	۰/۰۱۰	۰/۱۱۷	۰/۰۸۷	(۰/۹۳۰)
درصد مالکیت نهادی	۰/۰۵۶	۰/۱۸۱	۰/۳۱۰	(۰/۷۵۶)
کیفیت حسابرسی	۰/۰۰۴	۰/۱۴۴	۰/۲۶۰	(۰/۹۷۹)
نوع صنعت	۰/۱۵۰	۰/۲۳۱	۰/۶۴۷	(۰/۵۱۷)
ضریب تعیین		۰/۰۲۰	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۱۲
آماره F		۲/۶۱۹	دوربین-واتسون	۲/۱۰۵

۷- نتیجه گیری و بحث

اجتناب مالیاتی از جمله مباحثی است که در طی چند سال اخیر، توجه محافل دانشگاهی را به خود جلب نموده است. توجه به این موضوع از ماهیت پیچیده و متناقض آن نشأت می‌گیرد. در ابتدا تصور بر آن بود که تلاش حداکثری برای اجتناب از پرداخت مالیات و کاهش مالیات بر درآمد شرکت‌ها، حداقل برای سهامداران نه کلیه ذینفعان، امری مطلوب و پسندیده سهامداران است. با این حال در طی دهه اخیر پژوهش‌ها و اظهارات کارشناسان حاکی از آن است که رویکرد جسورانه نسبت به مالیات دارای ریسک‌های مختلفی است که می‌تواند در نهایت متضرر شدن شرکت و سهامداران آن را نیز در پی داشته باشد. بنابراین تلاش برای اجتناب از پرداخت مالیات نوعی بازی ریسکی می‌باشد و در حالتی که اشخاص ریسک‌گریز باشند وارد این بازی نخواهند شد. در شرکت‌های سهامی عام که جدایی مالکیت از مدیریت به وضوح دیده می‌شود و هزینه‌های نمایندگی وجود دارد، ممکن است تلاش برای اجتناب مالیاتی به شکلی جسورانه بیشتر باشد زیرا مدیران می‌توانند از طریق عدم شفافیتی که از طریق معاملات پیچیده در این راستا ایجاد می‌شود در برابر سهامداران

در مجموع نتایج به دست آمده از برازش هر دو الگوی پژوهش گواه بر آن است که در شرکت‌های با مشکلات نمایندگی حادتر، اجتناب از پرداخت مالیات بیشتر است. به هر حال همانگونه که فاما و جنسن (۱۹۸۳) مطرح می‌نمایند در شرکت‌هایی که جدایی مالکیت از مدیریت کمتر باشد، مدیران و تصمیم‌گیرندگان ریسک‌گریزتر عمل می‌کنند و از ورود به طرح‌های ریسک‌دار دوری می‌کنند. لیکن در شرکت‌های سهامی عام و دارای ساختاری مبتنی بر جدایی مالکیت از مدیریت، هزینه‌های نمایندگی بیشتری مشاهده خواهد شد و ورود به طرح‌های ریسک‌دار شایع‌تر می‌شود. از این رو با افزایش هزینه‌های نمایندگی، رویکرد جسورانه و ریسکی به مالیات و فرار مالیاتی نیز افزایش خواهد یافت. بادر تشر و همکاران (۲۰۱۳) نیز در مطالعه خود که به بررسی جدایی مالکیت از مدیریت و تاثیر آن بر اجتناب مالیاتی پرداخته بودند به نتیجه‌ای مشابه دست یافتند. افزون بر این استیورز و نیسکانن (۲۰۱۴) و چن و همکاران (۲۰۱۳) نیز در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که در شرکت‌های خانوادگی اجتناب مالیاتی کمتری وجود دارد.

رویکرد جسورانه مالیاتی از مالیات‌های ابرازی استفاده شده است. این در حالی است که همواره بین مالیات ابرازی از طرف شرکت‌ها و مالیات قطعی مورد نظر مقامات مالیاتی اختلاف وجود دارد. ممکن است چنانچه از مالیات قطعی استفاده می‌شد، نتایج دیگری به دست می‌آمد. افزون بر این شرکت‌های مورد بررسی در این پژوهش، محدود به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود و در تعمیم نتایج به دست آمده به سایر شرکت‌ها و بازارها باید احتیاط کافی را لحاظ نمود.

فهرست منابع

- * باباجانی، جعفر و مجید عبدی (۱۳۸۹). رابطه راهبری شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها؛ مجله پژوهش‌های حسابداری مالی؛ شماره ۳؛ صص ۶۵-۸۶.
- * پورحیدری، امید و امیر سروستانی. (۱۳۹۲). شناسایی و تبیین عوامل موثر بر مدیریت مالیات. مجله دانش حسابداری، شماره ۱۲، صص ۸۹-۱۱۰.
- * پورحیدری، امید؛ سروستانی، امیر و رحمتا. هوشمند. (۱۳۹۱). تاثیر رقابتی بودن بازار محصول بر هزینه‌های نمایندگی. مجله دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، شماره ۱۶، صص ۱۳-۲۸.
- * سپاسی، سحر و زهرا فتحی. (۱۳۹۴). تاثیر حاکمیت شرکتی بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه حسابداری مدیریت، شماره ۲۵، صص ۴۹-۵۹.
- * عابدی، نیلوفر و مهدی صفری گرایلی. (۱۳۹۵). تاثیر شفافیت اطلاعاتی بر رابطه اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت. فصلنامه حسابداری مدیریت، شماره ۳۱، صص ۶۵-۸۰.
- * کرمی، شیما؛ رهنمای رودپشتی، فریدون و زهرا دیانتي دیلمی. (۱۳۹۵). ارزیابی اثر اجتناب مالیاتی بر آگاهی بخشی سودهای گزارش شده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

رانت‌جویی اطلاعات داشته‌باشند و همچنین با تلاش حداکثری در عدم پرداخت مالیات، عملکرد خود را در ظاهر و کوتاه‌مدت بهتر نشان داده و به مزایایی دست یابند. از این رو پژوهش حاضر به دنبال آن بود تا به نحوی تجربی به بررسی تاثیر هزینه‌های نمایندگی بر سطح اجتناب مالیاتی جسورانه شرکت‌ها بپردازد. نتایج تجربی به دست آمده عمدتاً از تاثیرگذاری مثبت هزینه‌های نمایندگی بر اجتناب مالیاتی جسورانه شرکت‌ها پشتیبانی می‌نمود. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های افرادی همچون استیورس و نیسکانن (۲۰۱۴)، چن و همکاران (۲۰۱۰)، دسای و دارماپالا (۲۰۰۶) و عابدی و همکاران (۱۳۹۵) در تطابق است زیرا نتایج پژوهش‌های مذکور عمدتاً حاکی از آثار مخرب اجتناب مالیاتی جسورانه بود.

به هر حال این پژوهش به دنبال آن بود تا با یک رویکرد مبتنی بر کارگزار-کارگمار (نظریه نمایندگی) به بررسی اجتناب مالیاتی شرکت‌ها بپردازد. نتایج این پژوهش می‌تواند به فهم دقیق‌تری از مسائل مربوط به کنترل و حسابرسی‌های مالیاتی در شرکت‌های سهامی عام در چارچوب اجتناب مالیاتی شود و نشان دهد که چگونه مشکلات نمایندگی رویکرد مالیاتی شرکت‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود ممیزان سازمان امور مالیاتی به هنگام بررسی‌ها و ممیزی‌های مالیاتی در شرکت‌های سهامی عام که مسئله نمایندگی و جدایی مالکیت از مدیریت بیش از سایر اشخاص حقوقی در آن‌ها مطرح است، توجه مضاعفی را در خصوص صحیح بودن مالیات ابرازی آنان مبذول داشته و با تردید حرفه‌ای بیشتری امر رسیدگی را انجام دهند. همچنین به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر را در سطح صنایع مختلف انجام دهند زیرا قوانین مالیاتی ممکن است صنایع را به صورت یکسان تحت تاثیر قرار ندهند و از این رو امکان اجتناب از پرداخت مالیات در صنایع مختلف متفاوت باشد.

در پایان لازم به ذکر است، پژوهش حاضر نیز همانند بسیاری از پژوهش‌های دیگر در این حوزه دارای محدودیت‌هایی است. جهت محاسبه معیارهای

- * Jensen, M. C. & Meckling, W. (1976). Theory of the firm: managerial behaviour, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3: 305-360.
- * Kaplan, S. & Weisbach, M. (1992). The success of acquisitions: Evidence from divestitures. *Journal of Finance*, 47: 107-138.
- * Khurana, K. & Moser, J. (2009). Institutional Ownership and Tax aggressiveness. Available at: www.ssrn.com.
- * Leventis, S. Weetman, P. & Caramanis, C. (2011). Agency costs and product market competition: The case of audit pricing in Greece. *The British Accounting Review*, 43: 112-119.
- * Mcknight, F. & Weir, C. (2008). Agency costs, corporate governance mechanisms and ownership structure in large UK publicly quoted companies: A panel data analysis. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 49: 139-158.
- * Singh, M. & Davidson, W. A. (2003). Agency costs, ownership structures and corporate governance mechanisms. *Journal of Banking and Finance*, 27: 793-816.
- * Steijvers, T. & Niskanen, M. (2014). Tax aggressiveness in private family firms: An agency perspective. *Journal of Family Business Strategy*, 5 (4): 347-357.
- * Wallace, A. W. (1980). *The Economic Role of the Audit in Free and Regulated Markets*. Rochester: Graduate School of Management, University of Rochester.
- * Wenzel, M. (2002). The Impact of Outcome Orientation and Justice Concerns on Tax Compliance. *Journal of Applied Psychology*, 87: 629-645.
- * Yuan, J. & Jiang, Y. (2008). Accounting Information Quality, Free Cash Flow and Overinvestment: A Chinese Study. *The Business Review*, 11 (1): 159-166
- تهران. فصلنامه حسابداری مدیریت، شماره ۲۸، صص ۱۵-۳۷.
- * مدرس، احمد و حمید زارعیان برجی. (۱۳۹۲). بررسی محتوای اطلاعاتی تفاوت مالیات ابرازی و قطعی و ارتباط آن با کیفیت سود شرکت‌ها. فصلنامه حسابداری مدیریت، شماره ۱۷، صص ۱۵-۲۸.
- * Armstrong, S. Blouin, J. Jagolinzer, A. & Larker, D. (2013). Corporate Governance, Incentives, and Tax Avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60 (1): 1-17.
- * Badertscher, A. Sharon, K. & Sonja, R. (2013). The separation of ownership and control and corporate tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 56: 228-250.
- * Chen, S. Chen, X. Cheng, Q. & Shevlin, T. (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms? *Journal of Financial Economics*, 95: 41-61.
- * Desai, M. & Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79: 145-179.
- * Doukas, A. Mcknight, J. & Pantzalis, C. (2005). Security analysis, agency costs and UK firm characteristics. *International Review of Financial Analysis*, 14: 493-507.
- * Fama, E. & Jensen, M. (1983). Separation of ownership and control. *Journal of Law and Economics*, 26 (2): 301-325.
- * Fleming, R. Heaney, G. & Mccosker, R. (2005). Agency costs and ownership structure in Australia. *Pacific-Basin Finance Journal*, 13: 29-52.
- * Florackis, C. (2008). Agency costs and corporate governance mechanisms: Evidence for UK firms. *International Journal of Managerial Finance*, 4: 37-59.
- * Hanlon, M. & Heitzman, Sh. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50: 127-178.
- * Henry, D. (2010). Agency costs, ownership structure and corporate governance compliance: A private contracting perspective. *Pacific-Basin Finance Journal*, 18: 24-46
- * Huseynov, F. & Klamm, B. (2012). Tax avoidance, tax management and corporate social responsibility. *Journal of Corporate Finance*, 18: 804-827.
- * Jensen, M. C. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance and takeovers. *American Economics Review*, 76: 323-339.

یادداشت‌ها

- ¹. Tax Avoidance
- ². Fama & Jensen
- ³. Hanlon & Hitzman
- ⁴. Tax Aggressiveness
- ⁵. Badertscher & et al
- ⁶. Huseynov & Klamm
- ⁷. Desai & Dharmapala
- ⁸. Chen & et al
- ⁹. Steijvers & Niskanen
- ¹⁰. Wallace
- ¹¹. Leventis & et al
- ¹². Florackis
- ¹³. Fleming & et al
- ¹⁴. Henry
- ¹⁵. Mcknight & Weir
- ¹⁶. Doukas & et al
- ¹⁷. Wenzel
- ¹⁸. Armstrong & et al
- ¹⁹. Yuan & Jiang
- ²⁰. Khurana & Moser